

نماینده اقلیم کردستان عراق در ایران از خاطراتش با حاج قاسم می‌گوید

رهبران احزاب کرد ارتباط خوبی با سردار سلیمانی داشتند

گفت و گو



سردار شهید قاسم سلیمانی در بسیاری از مقاطع جامعه یک دیپلمات کارگشته را به تن می‌کرد. توانمندی که حاصل سال‌ها ارتباط نزدیک با گروه‌ها و جریان‌های سیاسی فعال در کشورهای مختلف منطقه بود. «ناظم دباغ» نماینده حکومت اقلیم کردستان در ایران یکی از کسانی است که خاطرات زیادی از نحوه ارتباط حاج قاسم با رهبران احزاب کردستان عراق چه در دوران مبارزه با رژیم بعث و چه سال‌های پس از آن دارد و از دورانی که او میان دولت اقلیم کردستان با دولت عراق و جمهوری اسلامی ایران میانجی‌گری می‌کرد.

به عنوان یک فعال سیاسی کرد نخستین آشنایی تان با شهید سلیمانی به چه دورانی بازمی‌گردد؟

ارتباط احزاب کردی و رهبران‌شان با ایران از زمان مبارزه علیه نظام بعثی صدام حسین تا به امروز بر عهده قرارگاه رمضان بوده است و می‌دانیم که این قرارگاه از زیر مجموعه‌های سپاه قدس به شمار می‌رود که فرماندهی اش را تا زمان شهادت، حاج قاسم سلیمانی بر عهده داشت. بر همین اساس آقایان جلال طالبانی و مسعود بارزانی به عنوان رهبران احزاب کرد ارتباط خیلی خوبی با جمهوری اسلامی ایران و فرمانده سپاه قدس داشتند. آشنایی حضوری بنده هم با ایشان به سال ۱۹۹۱ میلادی و بعد از قیام و انتفاضه کردستان باز می‌گشت. بعد از آزادی کردستان و تشکیل اولین کابینه حکومت اقلیم به همراه هیاتی از جبهه متحد کردستان به ایران آمدم و هم با حاج قاسم و هم با مرحوم دکتر حبیبی معاون اول رئیس جمهوری وقت ایران دیدار داشتیم.

با این حساب باید خاطرات زیادی در ارتباط با حاج قاسم داشته باشید...

بله، از جمله خاطراتی که الان قابل گفتن باشد اینکه ما در اقلیم کردستان احتیاج زیادی به کمک جمهوری اسلامی ایران داشتیم. کمبود آب بود و مخصوصاً برای مناطق کم‌آب و آفت زده باید دستگاه حفر چاه تهیه می‌کردیم. آقای طالبانی

از ما خواست در ایران شرکتی پیدا کنیم که بتواند برای حفاری دستگاه‌هایش را به کردستان عراق بیاورد. اتفاقاً دو دستگاه پیدا کردیم. ولی شرکت‌های ایرانی به خاطر ترسی که از حضور امریکایی‌ها در عراق داشتند خواستار ضمانت برای دستگاه‌ها شدند. متأسفانه ما امکانات مالی نداشتیم که بتوانیم چک ضمانتی به شرکت‌ها بدهیم. تنها کاری که توانستیم انجام بدهیم این بود که کاری کنیم ماجرا به نحوی به گوش حاج قاسم برسد. وقتی این اتفاق افتاد حاجی برآشفته شده و گفته بود مگر می‌شود آقای طالبانی کاری این چنینی از ما بخواهد و ما نتوانیم دستگاه را برای ایشان بفرستیم. پس به دنبال آن شرکت‌ها فرستاد و خودش ضمانت کرد و گفت همین امروز باید این دستگاه‌ها از مرز عبور کنند و بروند برای مردم مستضعف منطقه چاه بکنند. خب آن شرکت‌ها آمدند و خدمت بزرگی انجام دادند و هنوز هم مردم برخی مناطق اقلیم از آب آن چاه‌ها استفاده می‌کنند. این موضوع یکی از دلایلی شد که مرحوم طالبانی همیشه ذکر خیر حاج قاسم را می‌گفت. البته به غیر آن حاج قاسم کارها و کمک‌های زیادی به رهبران کردستان عراق انجام داده بود و خاطرات زیاد دیگری از او دارم که ممکن است در آینده آنها را مکتوب کنم.

ارزیابی تان از تأثیر حضور سردار سلیمانی در عراق و در عین حال ارتباطی که با رهبران احزاب کرد داشت، چه بود؟

من به شخصه ارادت زیادی به ایشان داشتم. چه در آن دوران که نماینده اتحاد میهنی کردستان و آقای طالبانی بودم و چه بعدها که رسماً نمایندگی اقلیم کردستان در ایران بر عهده‌ام قرار گرفت. حاج قاسم همیشه پاسخگوی درخواست‌ها و مسائلی که مطرح می‌کردیم بود و در همه شرایطی که به کمکش نیاز داشتیم، کمک می‌کرد. به باور من نقشی که ایشان داشت واقعاً نقش مثبت و دوستانه بود و در چارچوب قانون اساسی عراق احترام خاصی به مبارزان کرد عراق می‌گذاشت و کمک می‌کرد. برخورد حاج قاسم با زعمای کرد یک تعامل دوستانه، صادقانه و وفادارانه بود. همیشه به قول‌ها و حرف‌های خودش عمل می‌کرد. چه در طول تاریخ مبارزات کردها علیه صدام حسین و چه پس از آن.

تا آنجا که می‌دانیم سردار سلیمانی در دو مقطع تعامل نزدیکی با رهبران اقلیم کردستان داشت یکی در آستانه ظهور داعش و دیگر در ماجرای همه‌پرسی و اختلافات رخ داده میان کردستان عراق و دولت بغداد.

در زمان ظهور داعش که فعالیت گروه‌های تروریستی اوج

گرفت او به عنوان یک فرمانده شجاع و مجاهد در صحنه مبارزه علیه تروریسم داعش حضور پیدا کرد. نه تنها نقش مثبتی داشت بلکه باید گفت زمانی که داعش موصل را تصرف کرد اگر فرماندهی ایشان و کمک‌های ایران نبود شاید داعشی‌ها می‌توانستند بغداد را هم تصرف کنند.

راجع به مسأله همه‌پرسی هم بگویم که من در آن شرایط و زمان خیلی بیشتر از قبل با جناب آقای سلیمانی در ارتباط بودم. نظرایشان خیلی صادقانه و دوستانه بود. می‌گفت من درخواست می‌کنم حتی گفت خواهش می‌کنم که این کار را نکنید. معتقد بود مسأله همه‌پرسی در اقلیم کردستان موضوعی است که در عراق

حساسیت ایجاد خواهد کرد و به منفعت مردمان کرد نیست. می‌گفت درست است که کردها مشکلاتی داشته و دارند، ما این مشکلات را درک و از صبر کردها قدر دانی می‌کنیم و می‌خواهیم که همچنان که منتظر تحقق خواسته‌هایشان شده‌اند باز هم منتظر بمانند. گفت من قول می‌دهم که بعد از تمام شدن مسأله داعش و تروریسم شریطی در عراق به وجود بیاید که در چارچوب قانون اساسی عراق بیشتر از کردها حمایت شود و آنها به حقوق کامل خودشان و اجرای ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق برسند. ولی با وجود آن اصرارها همه پرسی انجام شد. ایشان باز تذکر دادند به معنای

اینکه اگر همه پرسی انجام می‌شود خواهش من این است که دست‌کم در کرکوک این کار را نکنید چون اگر این کار در کرکوک انجام شود سبب می‌شود که ارتش، حشدالشعبی و حتی احزاب سیاسی عراق این مسأله را نپذیرند و جنگ به راه بیفتد و کار از دست برود. خب با وجود همه آن رایزنی‌ها و اصرارها آن اتفاق پیش آمد. حمله شد و مسائلی پیش آمد که متأسفانه خیلی‌هایشان حل نشده است. ولی خب کردها می‌گفتند چون همه‌پرسی خواست مردم است باید انجام بشود. بعد از انجام همه‌پرسی و با وجود حمله‌هایی که شد باز سردار سلیمانی اولین نفر بود که به کردستان عراق رفت و با خود آقای بارزانی جلسه برگزار کرد تا ارتباطات بین اقلیم و بین جمهوری اسلامی ایران را اصلاح و تقویت کند. این حسن نیت این مرد شجاع و مبارز بود که نگران مسأله کردها بود و در عین حال معتقد بود که باید در چارچوب قانون اساسی عراق هم وحدت ملی و تمامیت ارضی عراق حفظ شود و هم کردها به حق و حقوق خودشان دست پیدا کنند.

به عنوان یک ناظر ارزیابی تان از ابعاد مختلف ترور سردار سلیمانی توسط امریکا چه بود و به نظر تان این اقدام چه تأثیری در مسائل منطقه و بخصوص عراق در جای گذاشت؟

البته می‌دانیم که ایران پس از انقلاب اسلامی در دشمنی علنی متقابلی با امریکا قرار گرفت و امریکا علیه نظام جمهوری اسلامی ایران در دشمنی از هیچ کاری فروگذار نکرد. در چنین فضایی همین که حاج قاسم سلیمانی در عراق حضور داشت و همراهی با نیروهای حشدالشعبی و حتی ارتش عراق و پیشمرگه‌ها را علیه تروریست‌ها انجام می‌داد دلیلی بود که امریکایی‌ها بیشتر احساس خطر کنند و نسبت به او کینه‌جویی کنند. امریکایی‌ها از او تأثیرگذارش آزار می‌دیدند. پس شروع کردند به توطئه چینی علیه حاج قاسم و بالاخره هم برنامه ترورش را عملیاتی کردند. یکی از نقاط غیر قابل درک این رفتار تروریستی این بود که یک ارتش خارجی به خودش اجازه داد بیاید در داخل عراق و فرماندهی را که به درخواست دولت عراق در آنجا حضور داشت به شهادت برساند. ترور ایشان شاید در مقطع بسیار کوتاهی فضایی ساخت که نقش جمهوری اسلامی در منطقه کمرنگ شود، ولی جمهوری اسلامی ایران توانست باز وضعیت را برگرداند و نقش منطقه‌ای خود را مانند همیشه ایفا کند. بنابراین با اینکه شهادت حاج قاسم اثر منفی مقطعی داشت اما سبب کاهش نقش و حضور ایران در منطقه نشد و آن ترور ناجوانمردانه و آن شهادت مظلومانه تنها نام حاج قاسم را جاودانه کرد.

آمریکایی‌ها از او

تأثیرگذارش آزار می‌دیدند،

پس شروع کردند به توطئه

چینی علیه حاج قاسم و بالاخره

هم برنامه ترورش را عملیاتی

کردند. یکی از نقاط غیر قابل

درک این رفتار تروریستی این

بود که یک ارتش خارجی به

خودش اجازه داد بیاید در

داخل عراق و فرماندهی را که

به درخواست دولت عراق در

آنجا حضور داشت

به شهادت برساند

ایران

ویژه
اولین
سالگرد
شهادت



۱۵

دی ماه
۱۳۹۹



سردار سلیمانی بر سر مزار مرحوم جلال طالبانی